

نگاهی به ماندگارترین نقش‌های زنده یاد اکبرعبدی

4 مرداد 1405

رضا صائمی

در تاریخ سینمای ایران بازیگرانی بوده‌اند که به واسطه یک نقش در حافظه جمعی ماندگار شده‌اند و بازیگرانی که با یک تیپ شناخته می‌شوند؛ اما اکبر عبدی از آن دست بازیگرانی است که نمی‌توان او را در یک قالب خلاصه کرد.

او نه صرفاً یک کمدین بود و نه تنها یک بازیگر شخصیت‌پرداز. عبدی در چهار دهه فعالیت حرفه‌ای، بارها نشان داده که مهم‌ترین سرمایه‌اش توانایی دگرگون شدن است. استعدادی که باعث شده هر نقش برای او فرصتی تازه برای خلق جهانی متفاوت باشد. همین ویژگی است که کارنامه او را از بسیاری از هم‌سلانش متمایز می‌کند. در بازی عبدی، گریم، صدا، بدن و ریتم اجرا تنها ابزار نیستند، هر کدام بخشی از فرآیند شخصیت‌سازی‌اند. او هیچ‌گاه به تکرار موفقیت‌های گذشته رضایت نداد و حتی در آثار تجاری نیز تلاش کرد چیزی فراتر از یک تیپ آشنا ارائه دهد. در ادامه این گزارش به ماندگارترین نقش‌هایی می‌پردازیم که او در حافظه جمعی ما ثبت کرد.

«مادر»؛ بلوغ یک بازیگر

شاید کمتر کسی انتظار داشت بازیگری که بیشتر با نقش‌های طنز شناخته می‌شد، در فیلم «مادر» علی حاتمی چنین حضوری تأثیرگذار داشته باشد. اما عبدی در این فیلم نشان داد که پشت چهره شوخ و پر جنب و جوشش، بازیگری دقیق و کنترل‌شده پنهان شده است.

او در فضای شاعرانه و نوستالژیک علی حاتمی، از هرگونه اغراق فاصله می‌گیرد و با بازی‌ای مینی‌مال، بخشی از اندوه و فروپاشی یک خانواده را روایت می‌کند. دریافت سیمرغ بلورین جشنواره فجر برای این نقش، تنها یک جایزه نبود؛ اعلام رسمی ورود اکبرعبدی به جمع بازیگران جدی سینمای ایران بود.

«آدم‌برفی»؛ جسارت در مرز طنز و تراژدی



اگر قرار باشد تنها یک نقش به عنوان شناسنامه هنری اکبر عبدی انتخاب شود، بی تردید «آدم‌پرفی» یکی از جدی‌ترین گزینه‌هاست. ایفای نقش مردی که برای رسیدن به آرزوی مهاجرت، ناچار می‌شود هویت زنانه‌ای برای خود بسازد، می‌توانست به نمایشی سطحی و صرفاً کمیک تبدیل شود، اما عبدی با هوشمندی، شخصیتی خلق می‌کند که هم خنده‌دار است و هم عمیقاً تراژیک. او در این فیلم صرفاً لباس زنانه نمی‌پوشد، بلکه زبان بدن، نگاه، مکث‌ها و حتی سکوت‌هایش را نیز تغییر می‌دهد. همین ظرافت باعث می‌شود مخاطب به جای خندیدن به شخصیت، با او همدلی کند. «آدم‌پرفی» یکی از بهترین نمونه‌های استفاده از کمدی برای بیان یک چالش اجتماعی است و سهم عبدی در موفقیت آن انکارناپذیر است.

«هنرپیشه»؛ درباره خود بازیگری

کمتر فیلمی در سینمای ایران تا این اندازه به مفهوم بازیگری نزدیک شده است. «هنرپیشه» فرصتی بود تا اکبر عبدی مهارت تکنیکی خود را به نمایش بگذارد. در این فیلم او مدام میان شخصیت‌های مختلف جابه‌جا می‌شود؛ بی آن‌که مرز میان آنها مخدوش شود. کنترل صدا، تغییر ریتم بازی و تسلط بر جزئیات رفتاری، از عبدی بازیگری می‌سازد که می‌توان او را صاحب سبک دانست؛ بازیگری که به خوبی می‌داند چگونه از بدن و چهره خود به عنوان ابزار روایت استفاده کند.

«دلشدگان»؛ حضوری مؤثر در یک ارکستر بازیگری

فیلم‌های علی حاتمی معمولاً بر پایه گروهی از بازیگران قدرتمند شکل می‌گیرد و در چنین آثاری دیده شدن کار آسانی نیست. اما عبدی در «دلشدگان» نشان می‌دهد حتی در نقشی که مرکز روایت نیست، می‌تواند حضوری مؤثر داشته باشد. او شخصیت را با جزئیاتی انسانی می‌سازد؛ بدون آن‌که تلاش کند بیش از اندازه دیده شود. این همان ویژگی بازیگران بزرگ است؛ اینکه بدانند چه زمانی باید بدرخشند و چه زمانی در خدمت کلیت اثر قرار بگیرند.

«اجاره‌نشین‌ها»؛ کمدی به مثابه نقد اجتماعی

داریوش مهرجویی از معدود فیلمسازانی بود که می‌توانست از توانایی‌های کمیک بازیگران برای خلق موقعیت‌های اجتماعی بهره‌بردارد. عبدی در «اجاره‌نشین‌ها» یکی از اعضای مهم این ارکستر شلوغ است. او با شناخت دقیق از ریتم کمدی، شخصیتی می‌آفریند که نه کاریکاتور است و نه واقع‌گرای صرف.

طنز او از دل موقعیت بیرون می‌آید و به همین دلیل هنوز هم تازگی خود را حفظ کرده است. این فیلم ثابت کرد عبدی تنها بازیگری نیست که لطیفه اجرا می‌کند؛ او کمدی را زندگی می‌کند.



«خوابم می‌آد»؛ بازگشت باشکوه

سال‌ها پس از دوران اوج دهه هفتاد، بسیاری تصور می‌کردند اکبر عبدی دیگر نمی‌تواند مخاطب را غافلگیر کند. اما «خوابم می‌آد» همه این پیش‌بینی‌ها را تغییر داد. نقش پیرزنی که عبدی ایفا می‌کند، صرفاً حاصل یک گریم سنگین نیست.

او با تغییر کامل لحن، راه رفتن، نگاه و حتی تنفس، شخصیتی می‌سازد که تماشاگر پس از چند دقیقه حضور بازیگر را فراموش می‌کند و تنها شخصیت را می‌بیند. این اجرا نمونه‌ای درخشان از بازی مبتنی بر دگردیسی است؛ همان ویژگی که سال‌هاست امضای هنری اکبر عبدی محسوب می‌شود.

راز ماندگاری اکبر عبدی

راز موفقیت اکبر عبدی را نباید تنها در استعداد ذاتی یا قدرت بداهه‌پردازی او جست‌وجو کرد. آنچه او را به بازیگری ماندگار تبدیل کرده، جسارت تجربه کردن بود. عبدی هیچ‌گاه از تغییر چهره، بازی در نقش‌های نامتعارف یا فاصله گرفتن از کلیشه‌های رایج نترسید. در سینمای ایران کمتر بازیگری را می‌توان یافت که هم نقش کودک، هم پیرمرد، هم زن، هم شخصیت‌های جدی و هم تیپ‌های کمیک را با چنین تسلطی ایفا کرده باشد. او هر بار از نو متولد شده و همین ویژگی، کارنامه‌اش را به مجموعه‌ای از تجربه‌های متفاوت تبدیل کرده است. اکبر عبدی اگرچه با خنده به شهرت رسید، اما ارزش واقعی او در توانایی‌اش برای ساختن انسان‌هایی باورپذیر است، شخصیت‌هایی که گاه ما را می‌خندانند و گاه تلخی زندگی را یادآوری می‌کنند. او از معدود بازیگران سینمای ایران بود که توانست مرز میان سرگرمی و بازیگری جدی را از میان بردارد.

شاید به همین دلیل است که مرور بهترین نقش‌های اکبر عبدی، تنها مرور چند فیلم موفق نیست، بلکه مرور سیر تکامل بازیگری است که ثابت کرد هنر بازیگری، بیش از هر چیز، هنر تغییر کردن و هر بار از نو آغاز کردن است.